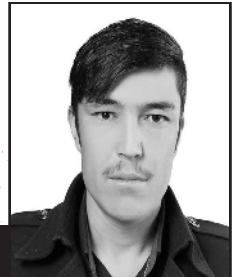
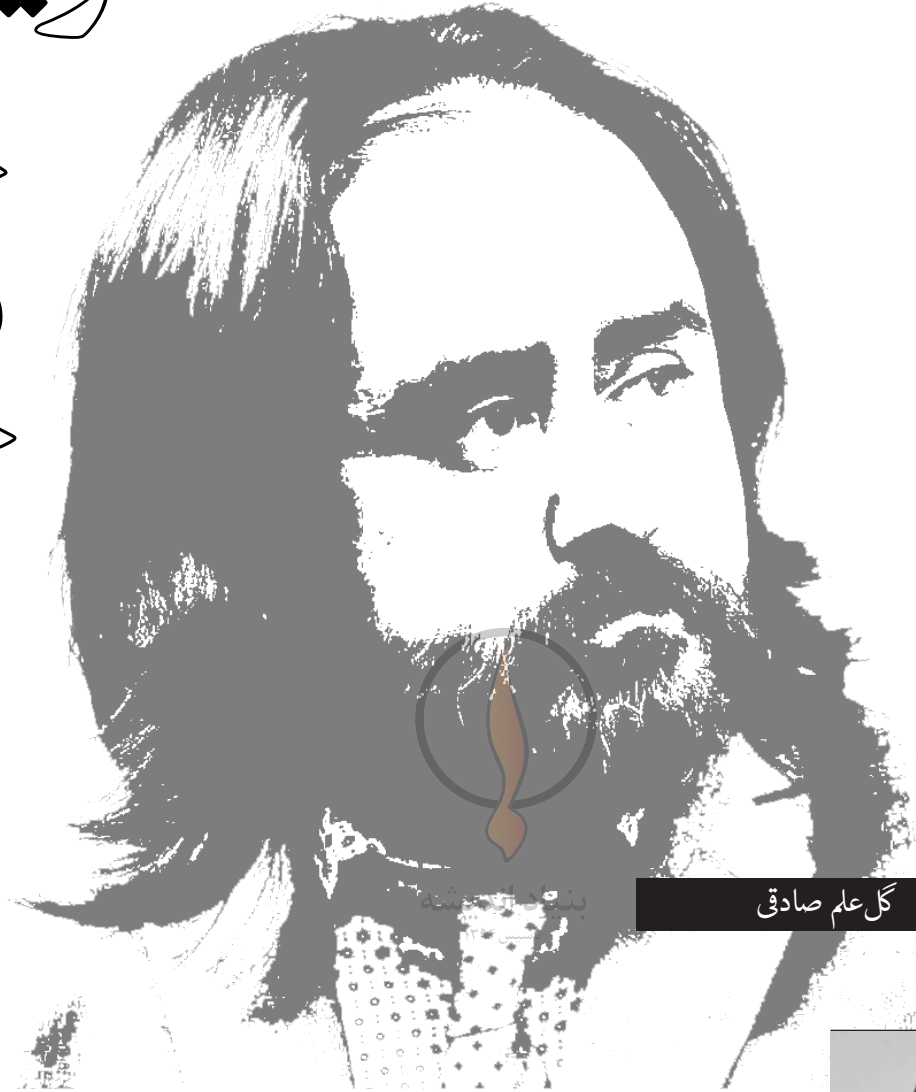


# سنگ شمس اشعار محمد شریف



گل عام صادقی



میثم حنیفی

## چکیده

محمدشریف سعیدی از شاعران معاصر و از نسل دوم شعر مهاجرت افغانستان به شمار می‌رود. از وی ده مجموعه شعر در قالب‌های غزل، سه‌گانی، دوبیتی، رباعی، چهارپاره، سپید و نیمایی به چاپ رسیده است. بررسی سبک‌شناسی اشعار وی موضوع این مقاله را شامل می‌شود. در این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی به برجسته‌ترین ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری اشعار سعیدی پرداخته شده است.

برجسته‌ترین مشخصه‌های زبانی شعر سعیدی عبارت‌اند از: استفاده از واژه‌های هزاره‌گی و محلی، استفاده از وزن‌های بلند در غزل، انواع تکرار و به‌کارگیری از نام‌های حیوانات به‌ویژه پرندگان. از برجسته‌ترین ویژگی‌های ادبی شعر سعیدی، می‌توان به تصویرهای پارادوکسیکال، حسن تعلیل، ضرب‌المثل، ایهام و نوآوری‌هایی در قالب غزل و سه‌گانی اشاره کرد. در بخش فکری برجسته‌ترین مشخصه‌های شعر سعیدی عبارت‌اند از: عشق، ادبیات مهاجرت و مقاومت، توجه به زنان و طنز.

**واژگان کلیدی:** سبک‌شناسی شعر، محمدشریف سعیدی، شعر معاصر افغانستان، واژگان عامیانه، پارادوکس، طنز.

## مقدمه

محمدشریف سعیدی متولد سال ۱۳۴۹ از شاعران معاصر افغانستان و از نسل دوم شعر مهاجرت افغانستان است. از وی ده مجموعه شعر در قالب‌های غزل، سه‌گانی، دوبیتی، رباعی، چهارپاره، سپید و نیمایی به چاپ رسیده است. شعر سعیدی به گفته محمود جعفری، فرازونشیب‌های زیادی را پیموده است که نمونه‌ای از این فراز و فرودها را در مجموعه غزل‌های او می‌بینیم. او برای رسیدن به زبان مستقل در شعر، میدان‌های مختلفی را درنوردیده است؛ هرچه پیشتر می‌رود تلاشش نتیجه مطلوب‌تری می‌دهد و ویژگی‌های تازه‌تری به شعر او افزوده می‌شود. اندیشه در شعر او به صورت خاصی جلوه می‌کند و خیال و تصویرهای ناب، آن را زیبایی دیگری می‌بخشد (جعفری، ۱۳۹۶: ۱۲). سعیدی در شعر به گفته محمدکاظم کاظمی: «تمامیت زبان فارسی را به کار می‌کشد و در این عرصه هراسناک و منفعل نیست.» (کاظمی، ۱۳۸۳: ۵)، به همین خاطر حضور واژگان هزاره‌گی و محلی در شعرش چشم‌گیر است. سعیدی در بخش فکری شاعر خاصی نیست؛ یعنی نمی‌توانیم بگوئیم که شاعر عاشقانه‌سرا یا شاعر مهاجرت و مقاومت و مانند این‌ها، بلکه تنوع مضامین در اشعار وی دیده می‌شود. در بخش ادبی نوآوری‌های زیادی در اشعار وی به چشم می‌خورند.

در بررسی ویژگی‌های سبکی شعر سعیدی، ابتدا اشعار وی

بررسی شده و سپس تمام ویژگی‌های سبکی اشعار استخراج شده‌اند. معیار انتخاب برجسته‌ترین ویژگی‌های شعر وی، فقط کمیت ویژگی‌ها نیست، بلکه چگونگی به‌کارگیری این ویژگی‌ها است، به ویژه در بخش ادبی به ویژگی‌هایی پرداخته شده است که تازگی دارد. مقاله حاضر به سبک‌شناسی شعر سعیدی با تکیه بر غزل‌ها و سه‌گانی‌های وی پرداخته است. در این جا به شش مجموعه شعر «آهسته‌رفتن چاقو»، «ماه هزارپاره»، «قفل‌های بزرگ»، «خواب عمودی»، «جانماز چینی» و «جای باران خالی» پرداخته شده است.

## پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی با موضوع سبک‌شناسی شعر سعیدی انجام نشده است. از پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد شعر سعیدی انجام شده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مقاله‌ها و نوشته‌هایی در مورد سعیدی و شعر وی در ویژه‌نامه نقد پارسی چاپ شده‌اند که از آن جمله می‌توان به مقاله‌هایی چون: «جایگاه زن در آیین اشعار محمدشریف سعیدی» نوشته دکتر محمدظاهر فایز، «تصویرسازی در غزلیات محمدشریف سعیدی» نوشته یعقوب یسنا اشاره کرد. هم‌چنین مقاله‌ای با عنوان «بررسی انسجام متن در شعر سعیدی شاعر غزنه» توسط دکتر سرو رسا رفیع‌زاده در دانشگاه مشهد با تأکید بر مجموعه «زاغ سپید» نوشته شده است. مقاله دیگری با عنوان «بررسی نقش زنان در اندیشه و شعر محمدشریف سعیدی» توسط دکتر محمود حسن‌آبادی در دانشگاه سیستان و بلوچستان نوشته و در فصلنامه «ادبیات معاصر» به چاپ رسیده است. هم‌چنین نقدی در باره مجموعه «ماه هزارپاره» توسط محمدکاظم کاظمی در فصلنامه «خط سوم» منتشر شده است. مقاله دیگری در نقد مجموعه «ماه هزارپاره» توسط محمود جعفری نوشته شده است. همین‌طور مقاله‌ای در نقد مجموعه «وقتی کم‌تر نیست» که بعداً به نام «قفل‌های بزرگ» چاپ شد، توسط سید محمدضیا قاسمی نوشته شده و در فصلنامه خط سوم چاپ شده است. مقاله دیگری در نقد مجموعه «الف لام میم دال» توسط دکتر سرور مولایی نوشته شده است. نوشته‌ای در نقد مجموعه سه‌گانی و «جانماز چینی» توسط پرتو نادری در سایت کابل‌ناته منتشر شده است. دو پایان‌نامه با عنوان‌های: «جریان‌شناسی غزل معاصر بعد از انقلاب» توسط سعیده عرب‌زاده در دانشگاه کاشان و «دیدگاه شاعران افغانستان به ادبیات پایداری» با تأکید بر سروده‌های محمدکاظم کاظمی، خلیل‌الله خلیلی، سید ابوطالب مظفری و شریف سعیدی کار شده است. این پایان‌نامه توسط زهرا انامی منامن در دانشگاه محقق اردبیلی نوشته شده است.

این مقاله‌ها و نوشته‌ها اکثرشان زیر عنوان خاصی، چنان‌که یادآوری شد، نوشته شده‌اند و بعضی‌هایشان هم به صورت کلی به تحلیل اشعار پرداخته‌اند. بنابراین، دقیقاً روی سبک‌شناسی شعر سعیدی کاری صورت نگرفته است و این پژوهش بر آن است که سبک و روش بیان سعیدی را در شعر بررسی کرده و ارزش‌ها و برجستگی‌های اشعار وی را بنمایاند.

## ۱. بخش زبانی

برجسته‌ترین ویژگی شعر سعیدی در بخش زبانی عبارت‌اند از: استفاده از واژگان عامیانه، وزن‌های بلند در غزل، نام‌های حیوانات به‌ویژه پرندگان و انواع تکرار.

### ۱.۱. واژه‌های هزاره‌گی

یکی از ویژگی‌های زبانی شعر سعیدی، آوردن واژه‌های عامیانه است. «دیگر چیزی که می‌توان از سعیدی آموخت، سلوک پسندیده اوست در زبان شعر. او تمام زبان فارسی را به کار می‌کشد و در این عرصه، هراسناک و منفعل نیست. بعضی شاعران ما گویا هراسی دارند از نزدیک شدن به مرزها. می‌خواهند در چهارسوق این زبان بایستند و فقط عام‌ترین و بی‌خطرترین واژگان را بیازمایند. نه به زبان عامیانه و محلی نزدیک می‌شوند، نه به زبان کهن روی می‌آورند و نه جرئت عبور از مرزهای سیاسی را دارند. اینان صاحب بی‌تمایزترین و فقیرترین زبان هستند... اما سعیدی از هیچ مرزی پروا ندارد و با بی‌باکی تمام، به همه ذخایر زبان فارسی چنگ می‌زند و بدین ترتیب، خود را در استفاده از میراث مشترک، مُحِق و صاحب‌اختیار می‌داند. این یک برخورد مقتدرانه با زبان است. به همان‌گونه، استفاده سعیدی از واژگان محلی و منطقه خودش نیز مقتدرانه و هوشمندانه است.» (کاظمی، ۱۳۸۳: ۵-۶). سعیدی بیش از صدوبیست مورد از واژگان هزاره‌گی و محلی در شعرش کار گرفته است.

لب وانکرده خون شد پُندُق ز شرم خورشید  
هر صبح‌دم به راز سر بسته رفته چاقو  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۹).

پُندُق در گویش هزاره‌گی به معنی شکوفه و غنچه گل است.  
من از پی تو دوان و تو در گریز از من  
به ما لجاجت یک جوهره شاپرک می‌داد  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۲۰).

جوهره در گویش هزاره‌گی به معنی جُفت است.  
باز گولک صدا کرد  
سرنگون شد قناری  
شاخه شد یک قفس بی‌قراری  
(سعیدی، ۱۳۹۴: ۱۹).

گولک: کمان.

نوبهار

شاخه‌های مه گرفته گِرنِگ

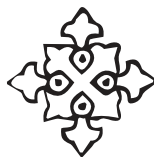
بین شاخه‌های پنبه، دانه‌دانه انار

(سعیدی، ۱۳۹۴: ۱۷).

گِرنِگ: سنگین

### ۱.۲. اوزان بلند در غزل

«یکی دیگر از شگردهای هنجارگریزی در شعر معاصر، به کارگیری وزن‌هایی است که پیش از آن در شعر فارسی پیشینه نداشته و یا از وزن‌های کم‌کاربرد بوده‌اند.» (حسن‌لی، ۱۳۹۶: ۴۶۵). در بین دوصدونه غزل سعیدی، چهل و یک غزل در وزن بلند موجود است که هر بیت آن دوازده رکن دارد. اگر بخواهیم با عروض سنتی بررسی کنیم، نامی برای این‌گونه اوزان نمی‌یابیم؛ مگر این‌که هر مصرع را یک بیت به حساب آوریم که در این صورت یک بیت، برابر با دو بیت



بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

تکرار در شعر سعیدی یکی از مهم‌ترین ویژگی سبکی به شمار می‌رود. ششصد و پنجاه مورد انواع تکرار (واج‌آرایی، تکرار واژه و تکریر و تکرار عبارت و جمله) در شعر سعیدی به چشم می‌خورد. صنعت تکرار نقش بسزایی در موسیقی شعر وی دارد.

می‌شود؛ به عنوان مثال غزلی با این مطلع:

خون من چکه‌چکه از مویم می‌چکد چون درخت گیلاس  
شاخه‌شاخه شکسته‌ام در خویش سروی از تیر و خنجر و داسم  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۶۲).

فاعلاتن مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فاعلهن  
فاعلاتن مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فاعلهن

طوری که می‌بینیم این بیت دوازده رکن دارد، در حالی که در عروض سنتی در هر بیت، بیش از هشت رکن نداریم که به آن «مثنی» می‌گویند. پس مجبوریم هر نیم‌مصراع را یک مصراع کامل فرض کنیم که وزن آن «خفیف مسدس مخبون محذوف» می‌شود. در این صورت می‌توانیم این‌گونه غزل‌ها را غزل-چهارپاره بنامیم؛ چون هر نیم‌مصراع حکم یک مصراع کامل و هر مصراع آن حکم یک بیت را دارد و هر بیت چهار مصراع (دوبیتی) را می‌سازد.

### ۱.۳. تکرار

تکرار در شعر سعیدی یکی از مهم‌ترین ویژگی سبکی به شمار می‌رود. ششصد و پنجاه مورد انواع تکرار (واج‌آرایی، تکرار واژه و تکریر و تکرار عبارت و جمله) در شعر سعیدی به چشم می‌خورد. صنعت تکرار نقش بسزایی در موسیقی شعر وی دارد؛ چون «سومین روشی که در بدیع لفظی، موسیقی کلام را به وجود می‌آورد و یا افزون می‌کند، تکرار است.» (شمیسا، ۱۳۹۵: ۷۳).

چاقو بگیر چاقو! تقسیم کن دلم را

یا پاره‌پاره‌پاره یا نیم کن دلم را

چاقو بگیر شق کن، شق کن ورق‌ورق کن

بر باد ده دلم را، تحریم کن دلم را

با چاقوی قشنگ بنویس: «۱، ۲، ۳، ۴»

با چاقوی قشنگ تقویم کن دلم را...

(سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۷).

### ۱.۴. نام‌های حیوانات

در اشعار سعیدی بیش از چهارصد و پنجاه مورد از نام‌های حیوانات یاد شده است که بسامد بالای آن را پرندگان شکل می‌دهد. به کار بردن نام حیوانات در شعر سعیدی، بیشتر نمادین و تمثیلی است و گاهی هم طبق معمول به وصف آن‌ها به عنوان پدیده طبیعی می‌پردازد. شاعر حتا شعرهایی به نام‌های چون: «سگ‌ها، کبک‌ها، کبک ۲، به نام پلنگ‌ها، پرنده ۱، پرنده ۲، ماهی، اسب و ماه، گور چه ابلق می‌دود، جماعت حیوانات، سنگ‌پشت و ماهی‌ها، پیل‌تان بی‌گوش، کژدم در کاسه، زاغ، زاغ سپید و...» دارد که بیشتر نقش نمادین دارند. به عنوان نمونه شعر «کبک ۲» را می‌آوریم.

قفس ندیده عقابی که مست پرواز است

خیال کرده قفس مثل آسمان باز است

خیال کرده قفس جای عاشق مست است

که کبک عاشق از آن ابتدا قفس باز است

خبر ندارد از این که قفس بود زندان

و میله‌میله آن پهره‌دار و سرباز است

خبر ندارد از احوال کبک کوه و کمر

که کبک نیست، کباب است، اشک و آواز است

به میله‌میله زند چنگ و تلخ ناله کند

که میله‌های قفس تارهای این ساز است

کسی که بال رها را نمود خلق، آیا

خبر نداشت که دنیا پر از قفس ساز است؟

خبر نداشت؟ خبر داشت؟ نه، بلی، ناری

پرنده و قفس و اشک و آسمان راز است

(سعیدی، ۱۳۸۲: ۵۹).

### ۲. بخش ادبی

بررسی سطح بلاغی زبان، سهم بزرگی در سبک‌شناسی ادبی دارد. در شعر، و جوه ادبیت و عبور از زبان به ادبیات از رهگذر شگردها و فنون بلاغی به ویژه زبان مجازی صورت می‌گیرد. سبک هر سخن براساس بسامد بالای آرایه‌های بلاغی، سرشت صوری و محتوای ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ به عنوان مثال فراوانی کاربرد تشبیه در یک متن، سبک تشبیهی را شکل می‌دهد و بسامد بالای استعاره، سبک استعاری را رقم می‌زند. بنابراین، سبک‌ها را براساس بسامد بالای صور بلاغی می‌توان با صفاتی چون: ایهامی، تشبیهی، استعاری، تمثیلی، نمادین، آیرونیک، معماپرداز و متناقض‌نما نام‌گذاری کرد (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۰۳-۳۰۴). برجسته‌ترین ویژگی‌های شعر سعیدی در این بخش عبارت‌اند از: پارادوکس، حسن تعلیل، ضرب‌المثل، ایهام و نوآوری‌هایی در قالب غزل و سه‌گانی.

### ۲.۱. بنیاد اندیشه متناقض‌نما (پارادوکس)

«پارادوکس شاعرانه، بیانی است به ظاهر متناقض یا مهمل؛ اما حامل حقیقتی است که از راه تأویل می‌توان به آن دست یافت.» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۲۷). بیش از چهل مورد تصویر پارادوکسیکال در مجموعه‌های بررسی شده به چشم می‌خورد.

فصل شبنم رفت و اینک فصل آتش باری است

تشنگی در جویبار جان انسان جاری است

(سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۵).

«جاری بودن تشنگی» یک تصویر متناقض نما است.

پاک کن با خون تازه، لکه‌های کهنه را  
لکه‌های دامن خود را بدین سان پاک کن  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۵۰).

«با خون پاک کردن» یک تصویر متناقض نما است.

خزانی که برده است آویشنم را  
شکوفا نموده است زخم تنم را  
(سعیدی، ۱۳۸۹: ۲۳).

شکوفایی را به خزان نسبت دادن، یک تصویر متناقض نما است.

چند قرن باران شور  
و کودکانی که زیر زمین بزرگ شده‌اند  
با پاهای پیر متورم

و قوزک‌های کج  
در آب‌های شور  
نسلی که در اشک‌هاشان

عمودی خواب رفته‌اند و

پاهای خواب‌رفته‌شان

از کابوس گلوله‌ها

گل سوزنک در آورده‌اند...

(سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

خواب رفتن عمودی، یک تصویر متناقض نما است که حامل  
حقیقتی است. این تصویر می‌تواند بیانگر غفلت و بی‌خبری  
جامعه‌ای باشد یا هم بیانگر نبود آزادی بیان.

...

و شهیدان بی‌دست و پا

افقی ایستاده‌اند در خیابان...

(سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۳۷).

«ایستادن افقی» نیز یک تصویر متناقض‌نماست، اما حامل

حقیقت والا؛ درواقع بیانگر این است که شهیدان همیشه زنده‌اند

و می‌تواند اشاره به آیه قرآن داشته باشد که می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ

الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا، بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ.» (آل

عمران: ۱۶۹).

خواب می‌بینم که دفترهای شعرم مرده‌اند

می‌برد مرداب ماتم‌های مشروح مرا

(سعیدی، ۱۳۸۲: ۹۲).

نسبت دادن فعل «بردن» به مرداب، یک تصویر متناقض نما است.

آن ماه که سایه‌اش به تاک افتاده است

داغش به دل حقیر خاک افتاده است

چون بستر خشک رود، این دل عمری است

از دوری یار چاک‌چاک افتاده است

(سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۱).

نسبت دادن سایه به ماه و تشبیه رود به بستر خشک، تصویرهای

متناقض‌نماست.

آن چه ما را به هم وصل می‌کند

خنجری است

در دست شما و دل ما

(سعیدی، ۱۳۹۴: ۸۰).

نسبت دادن وصل کردن به خنجر، تصویر متناقض‌نماست.

## ۲.۲. حسن تعلیل

حسن تعلیل دو گونه است: یکی آن است که علت ذکرشده حقیقی

و واقعی است و در ربط با معلول، ظرافت و لطافتی است که معمولاً

توسط تشبیه مضمیر صورت می‌گیرد و در نوع دوم، علتی که ذکر

می‌شود ادعایی است و این نوع هنری‌تر است (شمیسا، ۱۳۹۵:

۱۶۹-۱۷۰). در مجموع چهل مورد حسن تعلیل در مجموعه‌های

بررسی شده وجود دارد.

گیسوانش می‌کند چشم تماشا را خمار

کوزه می‌را شب تاریک بر سر ریخته

(سعیدی، ۱۳۹۲: ۶۱).

دلیل خمارکنندگی گیسوانش این است که کوزه می‌را در شب

تاریک بر سرش ریخته است.

برای دیدن خوبان گندم‌گون چه خرمن‌ها

به مژگان‌های بیدارم تمام شب الک کردم

(سعیدی، ۱۳۹۲: ۹۰).

دلیل غربال شدن خرمن اشک از مژگان‌های شاعر، خوبانی است

که گندم‌گون است.

همه تخم‌های جهان چوچه نمی‌شوند

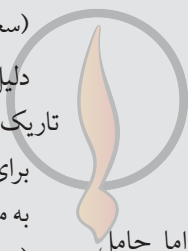
و هر ازگاهی مرغ‌های آرزو

در آب‌های جوش

تخم‌های بی‌زرده می‌گذارند

بس که چشم‌سپید است روزگار...

(سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۰۲).





عامل فشار خون، دختران بانمک است. از طرفی «بانمک بودن» ضرب‌المثل مشهوری است که معنی کنایی آن مراد است؛ ولی شاعر از بانمک بودن معنی اولش را گرفته است و بانمک بودن را عامل فشار خون دانسته است که بر زیبایی حسن تعلیل افزوده است.

شاعر دلیل قارقار کردن زاغ را عاشق بودن وی دانسته و پنداشته است که یاریار می‌کند نه قارقار.  
ابر می‌رفت سر از دیگ برنج  
خشک می‌شد شالی  
جای باران خالی  
(سعیدی، ۱۳۹۴ الف: ۱۲).

شاعر دلیل خشک شدن شالیزار را این دانسته است که هنگام پختن برنج، آب به بخار تبدیل شده و از دیگ سر رفته است، این جاست که جای باران خالی مشاهده می‌شود.  
از رگ بلند گردنش خزیده مار  
بر زبان تلخ او چقدر  
حرف‌های نیشدار!  
(سعیدی، ۱۳۹۴ الف: ۲۹).

شاعر دلیل تلخی زبان و نیشدار بودن حرف‌های مخاطبش را در این دانسته است که رگ‌های گردن وی چون مار است.  
دختران بانمک  
عامل فشار خون  
عشق و عاشقی جنون  
(سعیدی، ۱۳۹۴ الف: ۵۷).

عامل فشار خون، دختران بانمک است. از طرفی «بانمک بودن» ضرب‌المثل مشهوری است که معنی کنایی آن مراد است؛ ولی شاعر از بانمک بودن معنی اولش را گرفته است و بانمک بودن را عامل فشار خون دانسته است که بر زیبایی حسن تعلیل افزوده است.

### ۲.۳. ارسال المثل

«کلام حاوی ضرب‌المثلی باشد یا جنبه ضرب‌المثل داشته باشد.»

دلیل بی‌زرده بودن تخم مرغ‌های آرزو، چشم‌سپیدی و بی‌شرمی روزگار است.

حرف بودار از دهانت می‌شود بیرون  
نیش و لثه‌هایت را  
جرم‌گیری کن!  
(سعیدی، ۱۳۹۴ ب: ۶۵).

شاعر دلیل حرف‌های بودار و غرض‌آلود مخاطب را زرد شدن و چرکین بودن دندان نیش وی دانسته است.

هیچ حرفی راست  
از تو نشنیدیم  
بر کژی نیش‌هایت دیده خندیدیم  
(سعیدی، ۱۳۹۴ ب: ۶۶).

دلیل راست نگفتن مخاطب را کژ بودن دندان‌های نیش وی دانسته است.

در قندهار

انار می‌خوردم

دهانم پر از خون آبابی شد

(سعیدی، ۱۳۹۴ ب: ۷۴).

شاعر با خوردن اناری در قندهار، به یاد قتل و کشتار مردم هزاره دریا اندیشه

قندهار افتاده است که انار خوردن دلیلی بر این یادآوری قتل و کشتار است. از طرفی «بانمک بودن» ضرب‌المثل مشهوری است که معنی کنایی آن مراد است؛ ولی شاعر از بانمک بودن معنی اولش را گرفته است و بانمک بودن را عامل فشار خون دانسته است که بر زیبایی حسن تعلیل افزوده است.

هی مگو که قارقار می‌کند

تو زبان زاغ را نخوانده‌ای

عاشق است و یاریار می‌کند

(سعیدی، ۱۳۹۴ الف: ۵).

(شمیسا، ۱۳۹۵: ۱۰۰). در مجموع سی مورد ضرب‌المثل در مجموعه‌های بررسی شده وجود دارد.

مفاتیح‌الجنان را از الف تا یا تلاوت کرد  
جو جمع دو خر را تا سحر تقسیم نتوانست  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۷۳).

«جو دو خر را تقسیم نتوانستن» ضرب‌المثل هزاره‌گی است، برای کسانی به کار می‌رود که بسیار نادان باشند. البته این شعر طنزی است که به نقد دینداران جاهلی پرداخته است که از دین فقط به ظاهر آن پایبند هستند و نسبت به دین معرفت پیدا نکرده‌اند.

یک سبد غم به پشت خود بسته در علفزار می‌رود خسته  
زندگی چیست؟ قوز بالا قوز؛ یک سبد درد بر کمر حلزون  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۵۳).

قوز بودن به معنی قوزپشت و گوژپشت است. کسانی که قدش خمیده است به آن گوژپشت و قوز می‌گویند. بنابراین، «قوزبالاقوز» کنایه از مشکل بالای مشکل، رنج بالای رنج و درد بالای درد است.

تا کی بر فک زده آتش بگیری  
تا کی خر مو ره تایی سیل کنی مو<sup>۲</sup>  
(سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

خرمن زیر سیل کردن ضرب‌المثلی است هزاره‌گی که معنی هدر دادن و غنیمت نشمردن وقت را می‌رساند.

منه<sup>۴</sup> مردم کلو<sup>۵</sup> بدنام موشونی<sup>۶</sup>  
خود خوره<sup>۷</sup> زده یک پیسه موکونی  
(سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۵۹).

یک پیسه شدن ضرب‌المثلی است که بی‌ارزش شدن را می‌رساند. ای جوانک از پزشک دهان و گلویت شنیدم یک زبان داری و یک زبانک  
(سعیدی، ۱۳۹۴ ب: ۶۶).

«یک زبان و یک زبانک داشتن» چاپلوس و دوروی بودن را اندیشیک صبح او با ما می‌رساند؛ یعنی پیش روی فرد چیزی می‌گویند و در غیاب او چیز دیگری.

صبح در را گشودی  
جیغ خشکی بر آمد ز لولا  
پشت در خفته دیدی شتر را  
(سعیدی، ۱۳۹۴ الف: ۴۲).

ضرب‌المثل «خوابیدن شتر پشت در خانه» یعنی فرار رسیدن مرگ. وقتی بخواهند دامن‌گیر شدن مرگ را اراده کنند، می‌گویند که این شتر پشت در خانه هرکسی می‌خوابد.

آن زمان ماه بود، برق نبود  
این زمان برق هست، ماهی نیست  
یا سری نیست یا کلاهی نیست  
(سعیدی، ۱۳۹۴ الف: ۴۹).

«یا سری نیست یا کلاهی نیست» شبیه شعر معروف مولانا است که می‌گوید:

آن یکی خر داشت و پالانش نبود  
یافت پالان، گرگ خر را در ربود  
آب بودش کوزه می‌نامد به دست  
آب را چون یافت خود کوزه شکست  
(مولوی بلخی، ۱۳۹۵: ۷۲).

## ۲. ۴. ۲. ایهام

کلام موهم حداقل دارای دو معنی مختلف است و ممکن است با آن معانی مختلف با کلمات دیگر کلام رابطه ایجاد کنند (شمیسا، ۱۳۹۵: ۱۲۳). در مجموع یکصدوسی مورد انواع ایهام (توریه، تناسب، استخدام و تبادر) در مجموعه‌های بررسی شده وجود دارد. ایهام در شعر سعیدی بسامد بالایی ندارد، ولی در برخی از این ایهام‌ها نوآوری‌هایی دیده می‌شود.

### ۲. ۴. ۱. ایهام توریه

پنجاه مورد از این نوع ایهام در مجموعه‌های بررسی شده وجود دارد.

با خویشتن در آینه آهسته گفت: آه  
چین پیش از آن که فکر کنی می‌رسد ز راه  
(سعیدی، ۱۳۹۴ ب: ۳۳).

چین می‌تواند کشور چین باشد و هم می‌تواند چین و چروک صورت باشد.

به دور خویش چرخیدیم و اسمش را اتن ماندیم  
دُهل فریاد کرد و ما به تن، تن، تن، تن ماندیم  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۲).

۱. خرمن.
۲. زیر، ته سیل.
۳. کنیم ما.
۴. میان مردم.
۵. بسیار زیاد.
۶. می‌شوی.
۷. خودت را.

تن، تن...: ۱. وزن عروضی، ۲. صدای دهل و بازی اتن که رقص گروهی است و با دهل نوازی انجام می‌شود.

زندگی افسانه‌های خواب و بیدار دل است  
با همین افسانه‌ها آب از سر نیما گذشت  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۶۸).

افسانه: ۱. افسانه زندگی، ۲. شعر مشهور نیما به نام افسانه.  
با ثنا هم‌بازی و با آرمان هم‌کوچگی است  
گاه با شور شگفتی پشت عرفان می‌دود.  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

واژه‌های «ثنا، آرمان و عرفان» یک معنی اصطلاحی دارند و یک معنی قاموسی و از طرفی هم نام‌های خاص بوده می‌توانند.  
شب است داد بزین بانو، سکوت سرد سترون چیست؟  
«صداداست که می‌ماند» دلیل حنجره بستن چیست؟  
تمام پنجره‌های کور، میان گور خودت ماندی  
و هیچ‌گاه نفهمیدی فروغ، آینه، روزن چیست  
(سعیدی، ۱۳۸۹: ۳۳).

در شعر بالا واژه «فروغ» ایهام دارد و به دو معنی فهمیده می‌شود:  
۱. اسم خاص (فروغ فرخزاد) با توجه به تضمینی که در بیت از وی کرده است؛  
۲. به معنی روشنی، شعاع و تابش آفتاب.  
عاشق نوشته با پا بر روی خاک: «مهر»  
مریم میانه‌ای با مهر آفرین ندارد  
(سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

مهر آفرین: ۱. شاعر که بر روی خاک واژه مهر را نوشته است؛ ۲. کسی که مهر را خلق کرده است (خداوند).  
این سه‌گانه‌ها یگانه‌اند

ای مسیح! نام دیگر محمد است؛  
نام‌ها همه بهانه‌اند  
(سعیدی، ۱۳۹۴ الف: ۶).

«سه‌گانه» در یک معنی می‌تواند همین قالب ادبی سه‌گانی باشد و از طرفی سه‌گانه را در معنی تثلیث هم می‌توان فهمید. علاوه بر این، سه‌گانه را می‌توان عدد کثرت حساب کرد و جمع کثرت در وحدت را ارائه کرد.

چشم مردم خیره بر رویت  
هان! تو ماه اول عیدی؟  
یا نه خورشیدی؟  
(سعیدی، ۱۳۹۴ الف: ۵۵).

«خیره شدن» به معنی زل‌زدن در رابطه با ماه اول عید، معنی پیدا می‌کند و در معنی تار شدن و کم‌دید شدن در رابطه با خورشید معنی پیدا می‌کند.

## ۲. ۴. ۲. ایهام تناسب

پنجاه‌وسه مورد ایهام تناسب در مجموعه‌های بررسی شده یافت شده است.

بشر یک توپ مجبور است در میدان آزادی  
که دیوان و خدایان می‌کنندش با لگد بازی  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۳).

میدان آزادی: ۱. آزادی به میدانی تشبیه شده است که در این معنی در شعر حضور دارد؛ ۲. ورزشگاه آزادی تهران که در این معنی با توپ، لگد و بازی تناسب دارد.

بر سر و گیسو و موبندت پترول بریز  
بعد آتش زن و در فیرترین شب بگریز  
(سعیدی، ۱۳۸۲: ۲۵).

«جو دو خر را تقسیم نتوانستند» ضرب‌المثل هزاره‌گی است، برای کسانی که کار می‌رود که بسیار نادان باشند. البته این شعر طنزی است که به نقد دینداران جاهلی پرداخته است که از دین فقط به ظاهر آن پایبند هستند و نسبت به دین معرفت پیدا نکرده‌اند.



واژه «زن» به معنی بز (فعل امر) به کار رفته است؛ اما به معنی زن (اسم) با سر، گیسو و مو بند تناسب ایجاد کرده است. تمام نیچه‌های سقف بند از بند می‌نالند نیچه‌ها مانند میلهٔ تفنگچهٔ هتلر خالی اند... (سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

نیچه: ۱. مصغر نی؛ ۲. نام خاص (فریدریش ولهم نیچه از فلاسفهٔ بزرگ آلمان) که با هتلر تناسب ایجاد کرده است.

### ۲. ۴. ۳. ایهام استخدام

از این نوع ایهام هفت مورد در مجموعه‌های بررسی شده وجود دارد. تماشا می‌کنم در کوچهٔ تنگ غروب ای دوست! که پرپر می‌شود هر روز یک خورشید بعد از تو (سعیدی، ۱۳۸۹: ۵۴).

واژه «تنگ» در رابطه با کوچه، معنی تنگی و ضیق مکان را می‌دهد؛ اما در رابطه با غروب، ضیق وقت را می‌رساند و ایهام استخدام را ساخته است.

پیری پیراهنی است که هر سال بزرگ‌تر می‌شود تا تو دامن بچینی (سعیدی، ۱۳۹۴: ۷۸).

دامن چیدن در رابطه با پیراهن به معنی کوتاه کردن است، ولی در رابطه با پیری به معنی کنایی آن؛ یعنی ترک کردن و رها کردن آمده است.

### ۲. ۴. ۴. ایهام تبادر

هشت مورد ایهام تبادر در مجموعه‌های بررسی شده وجود دارد. و طلاکوب کنم مهر دروغینم را تا که بر گردن نوحاسته یاری بندم (سعیدی، ۱۳۸۲: ۴۱).

واژه (مهر)، مهر (مهربانی و شفقت) و مهر (مهریهٔ زن) را به ذهن متبادر می‌کند که با واژه طلا، گردن و نوحاسته یار تناسب ایجاد می‌کند.

از سرخی رُز نه رنگ و بویی باقی در حسرت دیشب چقدر گریه کنم خواب است و خمار دارد ساقی (سعیدی، ۱۳۹۴: ۱۶).

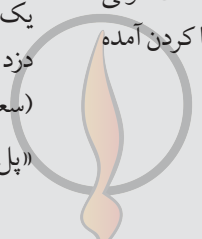
واژه «رُز» روز را به ذهن متبادر می‌کند که با «دیشب» تناسب داشته و ایهام تبادر می‌سازد. از طرفی این واژه می‌تواند «رُز» را به ذهن متبادر کند که با خمار و ساقی تناسب داشته و ایهام تبادر می‌سازد.

مرغ بلند پرواز حوا روی سر شاخهٔ پرسیب نشست شاخه لرزید و شکست (سعیدی، ۱۳۹۴ الف: ۱۱).

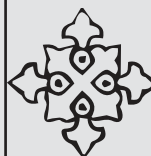
«حوا» «هوا» را در ذهن متبادر می‌کند که با مرغ و پرواز و شاخه تناسب دارد.

بین انسان و خدا فاصله بود یک نفر پل می‌ساخت دزد در قافله بود (سعیدی، ۱۳۹۴ الف: ۳۷).

«پل» پول را به ذهن متبادر می‌کند که با دزد و قافله تناسب دارد.



از شریف سعیدی تاکنون دوصدونه غزل در چهار مجموعهٔ شعری وی (قفل‌های بزرگ، آهسته رفتن چاقو، ماه هزارپاره و خواب عمودی) به چاپ رسیده است. غزل‌های سعیدی را اگر از نگاه معاصر و مدرن بودن بررسی کنیم، بیشتر آن‌ها مدرن و معاصرند. غزل‌های سعیدی را می‌توان از جمله غزل‌های معاصر در افغانستان و ادبیات فارسی دانست که از نظر جنبه‌های نوآورانه، دارای زیبایی‌شناسی مدرنند.



## ۲.۵. نوآوری در قالب غزل

از شریف سعیدی تاکنون دوصدونه غزل در چهار مجموعه شعری وی (قفل‌های بزرگ، آهسته رفتن چاقو، ماه هزارپاره و خواب عمودی) به چاپ رسیده است. غزل‌های سعیدی را اگر از نگاه معاصر و مدرن بودن بررسی کنیم، بیشتر آن‌ها مدرن و معاصرند. «غزل‌های سعیدی را می‌توان از جمله غزل‌های معاصر در افغانستان و ادبیات فارسی دانست که از نظر جنبه‌های نوآورانه، دارای زیبایی‌شناسی مدرنند.» (پسنا، ۱۳۹۶: ۳۸). از نوآوری‌هایی که در غزل سعیدی به چشم می‌خورند می‌توان به چند ویژگی اشاره کرد:

۱. استفاده از اوزان بلند در غزل: سعیدی چهل و یک غزل در وزن بلند دارد که در بخش زبانی یادآوری کردیم.

۲. به‌کارگیری از ردیف‌های جدید و طولانی: بیش از بیست مورد ردیف‌های جدید و طولانی در شعر سعیدی وجود دارد. به عنوان مثال به دو نمونه بسنده می‌کنیم:

تکه‌تکه هرچه مرد و زن ترا دزدیده‌اند  
با نگاه، انبوه اهریمن ترا دزدیده‌اند  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

شب سپید است و ماه قیرافشان قسمت آسمان عوض شده است  
کهکشان لکه‌زار زاغ و زغن طالع کهکشان عوض شده است  
(سعیدی، ۱۳۸۲: ۸۹).

۳. کاربرد «واو عطف و ربط» در آغاز شعر: پنجاه‌وشش مورد واو عطف و ربط در آغاز شعر آمده است که به دو نمونه بسنده می‌کنیم:

و مرد ساک غمش را گرفت و بالا رفت  
سکوت مه‌زده کوپه را تصرف کرد  
(سعیدی، ۱۳۸۲: ۲۱).

سلام می‌کنی و می‌کند علیک به لطف  
و سرخ می‌شوم از شرم و اشتباه، آری  
(سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۱).

۴. توصیف فضا یا فضاسازی: تصویر در شعر سعیدی بیشتر با فضاسازی صورت می‌گیرد. سعیدی در غزل زبان موجزی دارد و مانند فیلم کوتاه سینمایی چند نمایی از واقعه و حادثه را نشان داده است و دریافت بقیه را به مخاطب واگذار کرده است. به عنوان نمونه غزل «قطار» را می‌آوریم:

قطار آمد و بازوزه‌ای توقف کرد  
غروب منتظر و خسته را تعارف کرد  
و مرد ساک<sup>۱</sup> غمش را گرفت و بالا رفت  
سکوت مه‌زده کوپه را تصرف کرد

۱. کیف، کلاه‌پشتی، چمدان.

نشست و پشت سرش را نگاه کرد و نوشت:  
تفنگ، جنگ، سپس روی واژه‌ها تف کرد  
دو پلک خسته خود بست و مردمش گم شد  
هوای دهکده روشن تصوف کرد  
به خواب روشن خود رقص کرد با شبلی  
و دختری که شراب و عسل تعارف کرد  
ز کوپه خون سیاهی به راه آهن ریخت  
چرا؟ چگونه قطار این چنین تصادف کرد  
(سعیدی، ۱۳۸۲: ۲۱).

۵. بازتاب مسائل روز جامعه، یأس و ناامیدی و شکایت از فراق معشوق در غزل‌های سعیدی بازتاب گسترده‌ای دارد.

## ۲.۶. نوآوری‌هایی در قالب سه‌گانی

سه‌گانی قالب جدیدی است که در سال ۱۳۸۹ توسط دکتر علی‌رضا فولادی وارد حوزه شعر فارسی شد. دکتر فولادی قالب سه‌گانی را چنین تعریف می‌کند: «سه‌گانی یک قالب شعری است که از سه مصراع یا سه سطر پدید می‌آید و در پایان آن، ضربه ذهنی می‌خورد (فولادی، ۱۳۹۴: ۱۷).

شریف سعیدی مدعی است که بعد از دکتر علی‌رضا فولادی، دومین سه‌گانی‌سرا در شعر فارسی به حساب می‌آید («... او (دکتر فولادی) نخستین سه‌گانی و تعریف این ژانر را پنج سال پیش ارائه کرد و درست در همان وقت من به استقبال این قالب رفتم و نام من به عنوان دومین سه‌گانی‌سرا ثبت شد. اولین سه‌گانی من به تاریخ یک‌شنبه، بیست‌وسوم خرداد ۱۳۸۹ و به استقبال اولین سه‌گانی دکتر علی‌رضا فولادی سروده شد:  
این سه‌گانه‌ها یگانه‌اند  
ای مسیح! نام دیگر محمد است  
نام‌ها همه بهانه‌اند»  
(سعیدی، ۱۳۹۴: ب: ۵).

از کارهایی که سعیدی در قالب سه‌گانی کرده است، وارد کردن طنز در سه‌گانی است. طنز در سه‌گانی‌های سعیدی یکی از بن‌مایه‌های اصلی است. «از کارهایی که برای اولین بار من کرده‌ام، وارد کردن طنز در سه‌گانی است. من از آغاز سه‌گانی‌سرایی به آوردن طنز در این قالب نیز علاقه داشتم و از همین رو با تمرکز بیشتر به تعداد سه‌گانی‌های طنزی من نیز افزوده شد.» (سعیدی، ۱۳۹۴: ب: ۱۱).

سعیدی برخلاف نظر دکتر فولادی، سه‌گانی‌هایی در وزن رباعی نیز سروده است؛ چنان‌که می‌گوید: «دکتر علی‌رضا فولادی مبدع ژانر

مقاومت، طنز، جایگاه زن در اجتماع، طبیعت‌گرایی، نگاه فلسفی به مرگ و زندگی، مضامین دینی و مذهبی و دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی شکل می‌دهد. در این جا به چهار ویژگی برجسته آن (عشق، مهاجرت و مقاومت، جایگاه زن در اجتماع و طنز) پرداخته می‌شود.

### ۱.۳. عشق

دولتی جز دولت عشق و صفا پاینده نیست  
عشق این جایی نیازت می‌کند از عدل و داد  
دور، هر جا باطل و این جا دوام زندگی است  
دور جام عشق غیر از سرخوشی یادم نداد  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

عشق از مهم‌ترین ویژگی شعر سعیدی در این بخش است. عشق در شعر سعیدی، زمینی و اکثراً پاک و صادق است. توصیف معشوق، بازتاب جور و بی‌وفایی عاشق، حکایت از هجران و فراق، ارزش عشق و به ندرت عشق سخیف، در شعر سعیدی بازتاب یافته است. عشق در نگاه شاعر بهانه‌ای برای زندگی است:

زیر باده‌شار عاشقانگی بایست

چرخ عاشقانه‌ای بز!

عاشقی بهانه‌ای برای زندگی است

(سعیدی، ۱۳۹۴ الف: ۱۳).

عشق در شعر سعیدی، عشق تازه و شاداب است:

تازه فهمیدم که گل، باران، بهاران، آبشار

صبح، شب‌نم، هر چه باشد این قدرها تازه نیست

(سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

سه‌گانی بر این است که سه‌گانی نباید در وزن رباعی سروده شود. من اما این امر را رعایت نمی‌کنم و سه‌گانی در وزن رباعی نیز سروده‌ام و می‌سرایم» (سعیدی، ۱۳۹۴ ب: ۱۰).

سعیدی سه‌گانی‌هایی در گویش هزاره‌گی نیز سروده است؛ چنان‌که خود می‌گوید: «من از قالب سه‌گانی برای نوشتن شعر به لهجه هزاره‌گی نیز استفاده می‌کنم و برای سرودن مشکلی ندارم. این خود نشان‌گر ظرفیت سه‌گانی برای کارهای گوناگون در این قالب است.» (سعیدی، ۱۳۹۴ ب: ۱۱).

### ۳. بخش فکری

به گفته محمدکاظم کاظمی: «سعیدی از شاعرانی است که به تعبیر خاقانی به یک شیوه داستان زده است؛ یعنی شعرش یک بستر محتوایی واحد ندارد، بلکه در عوالم گوناگون، آثار درخشانی از این شاعر در کارنامه ادبی کشور ما خلق شده است و یکی از این عوالم، عالم شعر سیاسی و اجتماعی است.» (کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۰). ویژگی‌های فکری شعر سعیدی را عشق، ادبیات مهاجرت و

عشق از مهم‌ترین ویژگی شعر سعیدی در این بخش است. عشق در شعر سعیدی، زمینی و اکثراً پاک و صادق است. توصیف معشوق، بازتاب جور و بی‌وفایی عاشق، حکایت از هجران و فراق، ارزش عشق و به ندرت عشق سخیف در شعر سعیدی بازتاب یافته است. عشق در نگاه شاعر بهانه‌ای برای زندگی است.

بیشتر اشعار عاشقانه سعیدی، توصیف معشوق است.

تارتار زر به روی گیسوی تر ریخته  
کهکشانش تازه را بر شام محشر ریخته  
گیسوان نورسش را با شقایق گل زده  
شاخه شاخه گل میان جنگل تر ریخته  
گل فروشی می کند در کوچه های تنگ دل  
یک بغل گل در بر سرو فسونگر ریخته  
گیسوانش می کند چشم تماشا را خمار  
کوزه می را شب تاریک بر سر ریخته  
هر کجا پا می گذارد این قیامت غلغله است  
نقش پایش نقشه صحرای محشر ریخته  
سکه زیبایی اش در هفت عالم واحد است  
ریخت گر این سکه را در دور آخر ریخته  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۶۱).

## ۳.۲. ادبیات مهاجرت و مقاومت

مضامینی چون جنگ، اعتراض، مهاجرت و آوارگی، وطن دوستی، استعمارستیزی و نفی بیگانه پرستی، اتحاد و هم دلی و آزادی خواهی را می توان زیر عنوان ادبیات مهاجرت و مقاومت به حساب آورد.

مسافرت، غم بزرگ یاران ماه در چمدان  
غروب خسته و ابر سیاه در چمدان  
به شانه می کشم انگار کوه بابا را  
و تکه تکه رفیقان ماه در چمدان  
مسافرت چه گناه بزرگ، دوری محض  
بهشت مانده به جا، اشتباه در چمدان  
چه خاطرات عجیبی از سفر دارم  
بنفش و آبی و سرخ و سیاه در چمدان  
گذشته خاطره های بلند خندیدن  
مچاله عکس پر از قهقهه در چمدان  
وطن ندارم و دار و ندار من این است  
زمین و خانه و شال و کلاه در چمدان  
همیشه پیرهن راه راه می پوشم  
همیشه پیرهن راه راه در چمدان  
به صبح فکر نکن، روز رفته تاریخ است  
به خون نشسته غروب و پگاه در چمدان  
چه لحظه های عظیمی که مرده پشت سرم  
سفر گزیدم و بار گناه در چمدان  
(به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار)  
که لاله سر کشد از خاک راه در چمدان  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۲).

زمانه از سر نعل تو با تفنگ گذشت  
ز روی کشته تو سایه های جنگ گذشت  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۳۵).

خود ندیدند و به اغیار سپردند افسار  
یا که بازیچه ارباب فرنگ افتادند  
(سعیدی، ۱۳۸۲: ۳۶).

شعر آزاد «آزادی»

روزنامه را زندانی کردند

افسر که وارد اتاق سردبیر شد

پوتین هایش را با آزادی پاک کرد و

گفت: و ثیابک فَطَهْر...

(سعیدی، ۱۳۹۶: ۹۳).

هم چنین بازتاب وطن دوستی، ستایش شهدا و مرثیه سرودن در سوگ شهدا، اعتراض از وضعیت نامطلوب جامعه و اتحاد و همدلی نیز در شعر شاعر بازتاب یافته است.

## ۳.۳. توجه به زنان

شب است داد بزن بانو سکوت سرد سترون چیست؟

(صدا، صداست که می ماند) دلیل حنجره بستن چیست؟

(سعیدی، ۱۳۸۹: ۳۳).

بعد از عشق و مهاجرت و مقاومت، جایگاه زن در شعر سعیدی، مهم ترین ویژگی به شمار می رود. سعیدی در شعرش نادیده گرفتن حقوق زنان در جامعه، ظلم و ستم ها و تجاوزهایی که بر زنان صورت می گیرد، درد و رنج زنان جامعه و خیابان آزاری ها را به طور گسترده بازتاب داده است.

سعیدی برای توانایی و درایت زنان و نیز برای انگیزه دادن به زنان، از زنانی؛ چون رابعه، پروین اعتصامی، فروغ و سیمین بهبهانی نام می برد:

هم پرده نشین بانو، هم پرده دران بانو  
در حافظ و سعدی جان، هم این هم آن بانو  
خود رابعه و پروین، سیمین فروغ آجین  
رادارخ و مریم دین، گل، نور جهان بانو...  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

سعیدی زنان را در کسب علم و دانش برابر می داند و می گوید که این حق در جامعه نادیده گرفته شده است. در غزلی با زبان طنز به این موضوع پرداخته است:

الفبا را نخوان دیگر، کتابت را ببند ای زن  
قلم را خم کن و خم کن که گردد دست‌بند ای زن  
خطاب «اقرأ» آمد نه خطاب «اقرأی» از رب  
به تکلیف عمل کن، چشم‌هایت را ببند ای زن  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۳۲).

سعیدی در جایی به تحقیر زنان و آزار و اذیت آن‌ها در کوچه و خیابان اشاره می‌کند:

باد و باران بود و از عرض سرک<sup>۱</sup> رد می‌شدی  
باد می‌زد چادرت را جزر در مد می‌شدی  
بر سر خط سپید جاده روی پنجه‌ها  
مثل دیواری به موج چادرت سد می‌شدی  
بوق ماشین‌ها و سوت و چشمک هر رهگذر  
می‌گذشت از چشم و گوشت با همه بد می‌شدی...  
چادرت را گردبادی ناگهان پر داد و برد  
در خودت پیچیده گیسوی مجعد می‌شدی...  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

هم‌چنین در غزل «دزدها» نیز از اذیت و آزار زنان در جامعه حکایت می‌کند.

تکه‌تکه هرچه مرد و زن ترا دزدیده‌اند  
با نگاه، انبوه اهریمن ترا دزدیده‌اند...  
در صف دور و دراز نان سنگگ صبح‌ها  
در صف سبزی چقدر ای زن ترا دزدیده‌اند  
تا کسی‌ها بوق‌بوق و بوق‌بوق و بوق‌بوق  
سوت‌های سرخ راه آهن ترا دزدیده‌اند  
(سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

شاعر در غزل «شهرزادان» مشکلات دختران تهران، کراچی، لاهور، هندوستان، دوشنبه، کولاب، عربستان، هرات، قندهار، دختران هزاره، کابل، مالی، مصر، سومالی و دختران فرنگی و چینی را بیان می‌کند و سرانجام می‌گوید:

دختران قصه‌های افسونند؛ شهرزادان، هزار شب خونند  
هر شب از راز سربه‌مهر دگر، پرده با آب دیده بردارند  
(سعیدی، ۱۳۹۶: ۲۳).

### ۳.۴. طنز

به آیینی که خندیدن گناه است  
اگر شادی کنی روزت سیاه است  
(سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

«طنز در سروده‌های محمدشریف سعیدی، اغلب تلخ است؛ تلخی حاصل از وضعیتی دردناک و در عین حال مضحک و شگفت.» (امینی، ۱۳۹۰: ۲۳۰). طنز یکی از بن‌مایه‌های اصلی در شعر سعیدی است. سعیدی هر گاهی که با ظلم، فساد، خشونت، تجاوز و انواع جنایت‌ها روبه‌رو می‌شود، از زبان طنز برای اصلاح جامعه کار می‌گیرد. در غزلی با زبان طنز به فقر و فاصله طبقاتی اشاره می‌کند:

گرسنه مانده در این سو چه روزها شاعر  
سگان مردم آن سو خورند هم‌پرگر  
به شهر خانه ندارد، به خانه نان هم نه  
زنی که داده تن خویش را به مستاجر  
ز حج مستحبش آمده است حاج‌آقا  
ورفته است که گردد به کربلا زایر  
شکسته پسته خندان و فندق تازه  
و پوست گردو در کوچه ریخته تاجر  
تظاهرات بزرگی است در خیابان‌ها  
که مرگ بر امریکا و مرگ بر کافر  
(سعیدی، ۱۳۸۲: ۲۳).

در جایی با زبان طنز دینداران ریایی و دروغین را نقد می‌کند:

دوست دارم که در این ظلمت، تسبیح را  
دانه‌دانه به نخ زلف نگاری بندم  
و طلاکوب کنم مهر دروغینم را  
تا که بر گردن نوخاسته یاری بندم  
(سعیدی، ۱۳۸۲: ۴۱).

هم‌چنین در این سه‌گانی با زبان طنز به نقد واعظان ریایی و دروغین می‌پردازد.

مولوی از خطرهای «همراه» می‌گفت بر روی منبر  
«وبره» می‌آمد از جیب پتلون تنگش  
در سکوت میان دو آیه «پیامک» ز دلبر  
(سعیدی، ۱۳۹۴: ۵۵).

گاهی سعیدی رفتارهای ناهنجار و فساد اخلاقی مردم جامعه خویش را با زبان تند و تلخ طنز نکوهش کرده و به نقد آن‌ها می‌پردازد.

بی‌جهت چقدر یادداشت می‌کنی  
بی‌جهت چقدر کاغذ و کتاب  
بیست خواستی بیا و در اتاق من بخواب  
(سعیدی، ۱۳۹۴: ۵۸).

۱. جاده، خیابان.

## نتیجه‌گیری

محمدشریف سعیدی یکی از شاعران پیشگام شعر مقاومت افغانستان است. وی در هر سه بخش زبانی، ادبی و فکری ویژگی‌های برجسته‌ای دارد که سبک وی را در شعر رقم می‌زند. نتایج و یافته‌هایی که از این مقاله به دست آمده‌اند به‌طور فشرده در این جا می‌آوریم.

برجسته‌ترین ویژگی‌های بخش زبانی شعر سعیدی را می‌توان چنین برشمرد:

۱. به‌کار بردن واژه‌های لهجه هزاره‌گی در شعر: بیش از یکصد و بیست مورد واژه‌های لهجه هزاره‌گی در شعر وی به چشم می‌خورد.

۲. استفاده از وزن‌های بلند در غزل: شاعر چهل و یک غزل در وزن بلند دارد که در شعر فارسی کم‌کاربرداند.

۳. به‌کار بردن نام‌های حیوانات: در شعر سعیدی بیش از چهارصد و پنجاه مورد نام‌های حیوانات ذکر شده که اغلب پرندگان است. نقش حیوانات در شعر سعیدی بیشتر نمادین و تمثیلی است.

۴. انواع تکرار در شعر سعیدی: بیش از ششصد و پنجاه مورد تکرار (واج‌آرایی، تکرار واژه و تکریر و تکرار عبارت و جمله) در شعر سعیدی به چشم می‌خورد که نقش بسزایی در موسیقی شعر وی دارد.

برجسته‌ترین ویژگی‌های ادبی شعر سعیدی را می‌توان چنین نام برد:

۵. استفاده از پارادوکس: بیش از چهل مورد تصویر پارادوکسیکال در شعر سعیدی به چشم می‌خورد.

۶. حسن تعلیل‌های زیبا و جدید در شعر سعیدی: چهل مورد حسن تعلیل در شعر سعیدی وجود دارد که زیبا و شاعرانه است.

۷. ضرب‌المثل در شعر سعیدی: با بررسی‌هایی که انجام شد، سی مورد ضرب‌المثل در شعر سعیدی یافت گردیده است.

۸. ایهام در شعر سعیدی: یکصد و سی مورد ایهام (توریه، تناسب، استخدام و تبادر) در شعر سعیدی به کار رفته است. ایهام در شعر سعیدی بسامد بالایی ندارد، ولی برخی از این ایهام‌ها جدیداند. برجسته‌ترین ویژگی‌های فکری شعر سعیدی را عشق، ادبیات مقاومت و مهاجرت، توجه به زنان و طنز شکل می‌دهند.

## منابع

### کتاب‌ها

قرآن کریم، ترجمه استاد حسین انصاریان، خط عثمان طه، انتشارات اسوه، ۱۳۹۳.

سعیدی، محمدشریف، آهسته رفتن چاقو، چاپ اول، تهران: عرفان، ۱۳۹۲.  
\_\_\_\_\_، جانماز چینی، چاپ اول، کابل: انجمن قلم افغانستان، ۱۳۹۴ ب.

\_\_\_\_\_، جای باران خالی، چاپ اول، اصفهان: گفتمان اندیشه معاصر، ۱۳۹۴ الف.

\_\_\_\_\_، خواب عمودی، چاپ دوم، کابل: تاک، ۱۳۹۶.

\_\_\_\_\_، سفر آهوها (گزیده اشعار)، چاپ اول، تهران: تکا، ۱۳۸۷.

\_\_\_\_\_، قفل‌های بزرگ، چاپ دوم، تهران: عرفان، ۱۳۸۹.

\_\_\_\_\_، ماه هزارپاره، چاپ اول، تهران: عرفان، ۱۳۸۲.

شمیسا، سیروس، نگاهی تازه به بدیع، چاپ ششم، تهران: میترا، ۱۳۹۵.

فقوحی، محمود، سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، چاپ دوم، تهران: سخن، ۱۳۹۲.

\_\_\_\_\_، بلاغت تصویر، چاپ چهارم، تهران: سخن، ۱۳۹۵.

فولادی، علی‌رضا، بوطیقای سه‌گانی و مسائل آن، چاپ اول، اصفهان: گفتمان اندیشه معاصر، ۱۳۹۴.

مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی، شرح: کریم زمانی، چاپ چهل و هشتم، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۵.

### مقاله‌ها

امینی، اسماعیل «طنزآوری در اشعار محمدشریف سعیدی»، مجله فرخار، ۶، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۰.

جعفری، محمود، «سلام می‌کنی و می‌کند علیک به لطف (خوانش دو شعر از محمدشریف سعیدی)»، ویژه‌نامه نهمین جشنواره ادبی قند پارسی، تهران: خانه ادبیات افغانستان، حوت ۱۳۹۶.

کاظمی، محمدکاظم، «مسافران (یا به پای شعری از محمدشریف سعیدی)»، ویژه‌نامه نهمین جشنواره ادبی قند پارسی، تهران: خانه ادبیات افغانستان، حوت ۱۳۹۶.

«نقد کتاب «ماه هزارپاره» از محمدشریف سعیدی»، فصلنامه خط سوم، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۳.

یسنا، یعقوب، «تصویرسازی در غزل‌های محمدشریف سعیدی»، ویژه‌نامه نهمین جشنواره ادبی قند پارسی، تهران: خانه ادبیات افغانستان، حوت

بنیاد آتیه

تاسیس ۱۳۹۴